

سخن نخست

آیت‌الله مصباح یزدی و نقش او در آشنایی حوزویان با علوم اجتماعی جدید

sharaf@qabas.net

سیدحسین شرف‌الدین / استاد گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع

در این نوشتار سعی خواهیم کرد به مهم‌ترین اقدامات استاد در تحقق این مهم و مواجهه انتقادی وی با علوم اجتماعی جدید بپردازیم. ابتدا لازم است به برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی آن حکیم دوراندیش و زمان‌شناس، اشاره‌ای داشته باشیم:

الف) ویژگی‌های شخصیتی استاد (با عطف توجه به جنبه‌های علمی)

- همت بلند، انگیزه تمام‌نشدنی و تلاش خستگی‌ناپذیر (که منجر به تحقق دست‌کم بخشی از آرمان‌ها و آرزوهای وی شد)؛

- زهد و پارسایی، خضوع و انعطاف در برابر احکام و فرامین الهی، پابندی وثیق به رعایت ارزش‌های اخلاقی به‌ویژه در تعاملات اجتماعی؛

- ذهن شکوفا، تیزبین، خلاق، جوال و نقاد؛

- برخورداری عمیق و سرشار از معارف الهی (اعم از عقلی و نقلی) و مواجهه اجتهادی و محققانه با این معارف (فلسفه، کلام، عرفان، فقه، تفسیر، اخلاق)؛

- آشنایی عمیق با اندیشه‌های اجتماعی سیاسی اسلام (فقه اجتماعی، فلسفه اجتماعی، کلام اجتماعی، تفسیر اجتماعی یا تفسیر با رویکرد اجتماعی، اخلاق اجتماعی و حقوق اجتماعی)؛

- آشنایی با برخی فلسفه‌های مضاف (اعم از فلسفه‌های مضاف به موضوعات مثل فلسفه دین، فلسفه اجتماع و فلسفه سیاست)، و فلسفه‌های مضاف به علوم مثل فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه علوم انسانی؛

- داشتن انسجام اندیشه‌ای و وجود پیوستگی نظام‌وار در میان مؤلفه‌های چندگانه منظومه فکری ایشان؛
 - اهتمام نظری و عملی به اقامه دین در ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی (و در همین ارتباط حمایت قاطع از نظام و حکومت اسلامی و مواضع امامین انقلاب)؛
 - درک وسیع از زمانه و نیازها و آسیب‌های معرفتی آن؛
 - توجه توأمان به ضرورت اسلامی‌سازی جامعه (نهادهای و ساختارهای اجتماعی)، فرهنگ عمومی و علوم انسانی؛
 - حساسیت جدی نسبت به مبانی و بنیادهای معرفتی و ارزشی علوم انسانی و علوم اجتماعی وارداتی و مورد اعتنای جامعه دانشگاهی؛
 - حساسیت نسبت به فضای فرهنگی جامعه و عملکرد جریان‌های فعال در آن؛
 - جسارت در رویارویی با آراء و اندیشه‌های انحرافی و التقاطی و رویه‌های عملی ناصواب (با معیارهای دینی)؛
 - کنش‌گری اجتماعی فعال در عرصه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی به هنگام لزوم؛
 - اهتمام به تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه علمی از دهه پنجاه به این طرف (ضرورتی که بسیاری از بزرگان حوزه تنها در یکی دو دهه اخیر و تحت تأثیر شرایط ناشی از انقلاب و حکومت دینی، بدان وقوف یافتند)؛
 - تأکید جدی بر ضرورت تخصصی شدن آموزش‌ها در حوزه و بازبینی رشته‌های مختلف الهیات با معیارهای آموزشی و پژوهشی جدید؛
 - اهتمام به جنبه‌های کاربرد علوم اسلامی و پاسخ‌گویی آنها به نیازهای متغیر زمانه؛
 - ایفای نقش پیشروانه و الگویی برای برخی از شخصیت‌های تحول‌خواه حوزوی و شکل‌گیری مراکز متعدد آموزشی و پژوهشی در حوزه با الهام و تحت تأثیر سیره نظری و عملی ایشان؛
 - موفقیت در تربیت مستقیم و غیرمستقیم شاگردانی برجسته در حوزه و دانشگاه؛
- این همه به یمن تلمذ طولانی مدت استاد در محضر فرزندانگانی همچون امام خمینی علیه السلام، علامه طباطبایی و آیت‌الله بهجت ره بوده است.
- در کل، آیت‌الله مصباح یزدی از محدود شخصیت‌هایی بودند که افکارشان به دلیل اتقان و مقبولیت توده‌ای، بالقوه می‌توانست موج بیافریند، و طبق تجربه در کار جریان‌ساز، نهادسازی (تأسیس نهادهای علمی در حوزه)، جامعه‌سازی، فرهنگ‌سازی و ختناسازی جریان‌های معاند و دگراندیش، فعالانه عمل کرده و موفقیت‌های درخوری داشتند. نیازی به ذکر نیست که اهتمام استاد به تعلیم و تربیت نیروهای انسانی و پرورش شاگردان فرهیخته اساس و پایه برخی اقدامات فوق بوده است.

ب) اقدامات استاد در خصوص علوم اجتماعی

ب / ۱) اقدامات علمی - اجرایی

- راه‌اندازی «مؤسسه در راه حق» (در سال ۱۳۵۴) با هدف برگزاری دوره‌های آموزش عمومی علوم انسانی جدید برای طلاب و فضایی حوزوی (که بخشی از این آموزش‌ها، مبانی علوم اجتماعی بود) فعالیت‌های این مرکز تا سال اواسط دهه هفتاد به طول انجامید؛

- مشارکت جدی در راه‌اندازی «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» (در سال ۱۳۶۱ متعاقب تعطیلی موقت دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی به دستور امام راحل)؛ به منظور ایجاد پیوند ارگانیک میان حوزه و دانشگاه، بازسازی علوم انسانی، بازمبانی و اصلاح سرفصل‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، تهیه و تدوین متون آموزشی مناسب، آشناسازی استادان با کلیات معارف اسلامی). جالب اینکه دفتر همکاری، کار خود را با رشته‌های پنج‌گانه علوم اجتماعی آغاز کرد و ادامه داد: رشته جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، علوم تربیتی و همچنین رشته روان‌شناسی (به‌عنوان یک علم انسانی پایه)؛ دفتر همکاری بعدها در قالب «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» با گستره کمی و جهت‌گیری تخصص‌تر، فعالیت‌های پژوهشی (و اخیراً آموزشی) خود را در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (و برخی رشته‌های علوم انسانی) ادامه داد و هم‌اینک یکی از مراکز مهم علمی کشور شمرده می‌شود)؛

- راه‌اندازی «بنیاد فرهنگی باقرالعلوم» (در سال ۱۳۶۶) با هدف برگزاری آموزش‌های تخصصی به صورت ارشد پیوسته در برخی رشته‌ها از جمله رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (برای فارغ‌التحصیلان ممتاز مؤسسه در راه حق)؛

- راه‌اندازی «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» (در سال ۱۳۷۴) و توسعه آموزش‌های تخصصی در قالب رشته‌های مختلف و در مقاطع سه‌گانه (کارشناسی، ارشد و دکترا) با رعایت ضوابط وزارت علوم (از جمله رشته‌های فعال در این مؤسسه، رشته‌های هفت‌گانه علوم اجتماعی: جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت، تاریخ، حقوق و تعلیم و تربیت) است. همچنین در این مؤسسه، همه دانش‌پژوهان موظفند، رشته‌های مختلف علوم اجتماعی را در قالب مجموع دروس مبانی در دوره کارشناسی به صورت عمومی و با هدف آشنایی با کلیات علوم اجتماعی آموزش ببینند. گفتنی است که با تأسیس «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی»، دو مرکز «مؤسسه در راه حق» و «بنیاد فرهنگی باقرالعلوم» در آن ادغام گردیدند.

هدف استاد از این مجموعه اقدامات پیوستاری و کاملاً نوآورانه، آشنایی طلاب با علوم اجتماعی جدید؛ نقد مبانی متافیزیکی این علوم (و تحقق ایده اسلامی‌سازی علوم اجتماعی)؛ ایجاد زمینه برای انجام تحقیقات بنیادین در این علوم با رویکرد اسلامی؛ ایجاد زمینه برای تبیین و ارائه نظام‌مند اندیشه‌های اجتماعی اسلام؛ توجه دادن به نقش زمینه‌ای این علوم در ساخت جامعه اسلامی، بوده است.

ب / ۲) اقدامات علمی - آموزشی

- شرکت فعال در جلسات گفت‌وگو با استادان مختلف علوم اجتماعی در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و نقد دیدگاه‌های طرح‌شده با رویکرد اسلامی (این جلسات که حدوداً ۱۵ ماه و روزی ۸ ساعت به طول انجامید، در قالب جزوات متعددی انعکاس یافته که هم‌اینک در مرکز اسناد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی^ع بایگانی و مورد استفاده محققان قرار دارد. حدود سی جزوه از این مجموعه مربوط به رشته جامعه‌شناسی است)؛

- ورود عالمانه و محققانه به حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی (به معنای عام) با رویکرد فلسفی و الهیاتی با تالیف آثاری همچون جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، حقوق و سیاست در قرآن، اخلاق در قرآن (که جلد سوم آن، اخلاق اجتماعی است) و طرح موضوعاتی در قالب فلسفه‌الاجتماع (مثل چیستی و نحوه وجود جامعه، قانونمندی پدیده‌های اجتماعی و تاریخی، سنت‌های الهی و قوانین تکوینی)، فلسفه علوم اجتماعی (مثل بحث از مبانی متافیزیکی این علوم؛ مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، الهیاتی و انسان‌شناختی)؛ فرهنگ اسلامی، فقه اجتماعی، اخلاق اجتماعی، حقوق بشر، حقوق زنان، نهادهای اجتماعی (به‌ویژه تأکید بر نقش و تأثیر نهاد تعلیم و تربیت)، قشربندی اجتماعی، سنت‌های الهی در جامعه و تاریخ، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، جامعه آرمانی از دید اسلام، حکومت دینی و رسالت‌های فرهنگی اجتماعی آن، ملاک‌های مشروعیت و مقبولیت حکومت دینی، تفاوت حکومت دینی و حکومت لائیک و سکولار، دموکراسی، آزادی، امر به معروف و نهی از منکر، و...؛

- تلاش همه‌جانبه در جهت تولید علوم اجتماعی اسلامی و بازبینی انتقادی علوم اجتماعی موجود با رویکرد اسلامی؛

- طرح موضوعات اجتماعی روز با رویکرد اسلامی در قالب سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران (که حاصل آن در قالب دو جلد کتاب *نظریه سیاسی اسلام* و دو جلد *نظریه حقوقی اسلام*) منعکس شده است. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ دانشجویی در ضمن دوره‌های طرح ولایت که نتیجه آن در قالب ۵ جلد کتاب تحت عنوان *پرسش‌ها و پاسخ‌ها* به چاپ رسیده است.

- راه‌اندازی دوره‌های آموزشی «طرح ولایت» (در ایام تابستان) با هدف آموزش معارف بنیادین اسلام به دانشجویان دانشگاه‌ها (با بیش از ۳۰ سال قدمت). این طرح هم‌اینک علاوه بر دانشجویان، در سطح دانش‌آموزان، طلاب، معلمان، پزشکان و گروه‌های دیگری نیز در حال اجراست.

گفتنی است که *آیت‌الله مصباح یزدی* در عین نقد جمع‌گرایی هستی‌شناختی، و نفی اصالت فلسفی جامعه، در آثار گفتاری و نوشتاری خود فراوان به نقش تمهیدی و اعدادی جامعه در رشد شخصیت و تربیت افراد، عاملیت مؤثر در شکل‌دهی به دانش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، خلیقات، نگرش‌ها، نمادها، اعتبارات، سبک‌های زندگی و کنش‌های افراد؛ عاملیت مؤثر در سوق‌دهی افراد به انحرافات فکری، اعتقادی و عملی؛ ایجاد زمینه برای جریان‌یابی ارتباطات، تعاملات و رویدادهای اجتماعی؛ اهتمام دین به اصلاح جهان اجتماعی به موازات تلاش برای هدایت و سامان‌دهی

بینش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌های فردی و... توجه داده است. وی همچنین بر ضرورت علم جامعه‌شناسی به‌عنوان علم مطالعه کنش‌ها و ارتباطات فی‌مابین افراد و نهادها و سازمان‌های اجتماعی و نیز احوالات و شؤون اجتماعی انسان تأکید کرده است.

ب / ۳) اقدامات علمی - اجتماعی

- حساسیت نسبت به اندیشه‌های مادی، التقاطی و انحرافی (در قبل و بعد از انقلاب)؛

- نقد مواضع فکری و اقدامات جریان سیاسی موسوم به اصلاح‌طلب؛

- طرح ایده اسلامی‌سازی علوم انسانی و علوم اجتماعی (تولید علم دینی یا دینی‌سازی علوم موجود)؛

- مواجهه انتقادی با علوم اجتماعی جدید (و تلاش در جهت تبیین ضعف‌های آنها به‌ویژه از حیث مبانی متافیزیکی و مفروضات زمینه‌ای آنها)؛ گفتنی است که استاد مصباح یزدی، در عین اعتقاد قاطع به ضعف و کاستی علوم انسانی و علوم اجتماعی غرب‌محور، آنها را طرد نمی‌کند و تلاش‌های به‌عمل آمده در فرایند تولید و توسعه آنها را سزاوار تحسین و قدردانی می‌داند. نکته دیگر، نقدهای استاد بیشتر از علوم اجتماعی توصیفی مثل جامعه‌شناسی و علوم سیاسی متوجه علوم اجتماعی توصیه‌ای و تجویزی غرب است یا به این جنبه‌های به دلیل ارتباط و اتصال وثیق آن با دین و سرنوشت انسان اهتمام بیشتری داشته است. طرح مباحثی در خصوص حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی، سعادت این جهانی، سکولاریسم، اومانیزم، سوسیالیسم و... در این ارتباط بوده است.

- تأکید توأمان بر علوم اجتماعی مولد، مثل اقتصاد و جامعه‌شناسی (البته در کنار روان‌شناسی، به‌عنوان علمی که همه علوم انسانی و علوم اجتماعی، تحلیلاً بدان ارجاع دارند) و علوم اجتماعی مصرف‌کننده (مثل مدیریت و تعلیم و تربیت).

ج) اندیشه‌های اجتماعی استاد مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی، اهتمام ویژه‌ای به اندیشه‌ورزی، و بازخوانی اجتهادی اندیشه‌های اجتماعی اسلام متناسب با ضرورت‌ها و اقتضائات عصری، پاسخ‌دهی به سؤالات و شبهات مطرح، و موضع‌گیری نظری و عملی قاطع در برخورد با جریان‌های فکری فرهنگی دگراندیشی و سزاوار نقد و اصلاح در کشور و در جهان اسلام داشتند. استاد اگرچه در اصل روی‌آوری به حوزه اجتماعیات به پیشگامان این سیره مرضیه همچون ابونصر فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه طباطبائی، شهید مطهری و شهید صدر اقتدا کرده بودند؛ اما از حیث روزآمدی و عطف توجه به نیازهای زمانه، تنوع مباحث، تنوع رویکردها، دارا بودن موضع انتقادی، بعضاً عرضه این اندیشه‌ها در تریبون‌های مختلف و بازخوردگیری؛ ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند که در ادامه و بعد از ذکر مقدماتی بدانها اشاره خواهد شد.

مراد از اندیشه اجتماعی، آن بخش از اندیشه‌های تولیدی استاد است که به بررسی امور و پدیده‌های اجتماعی و همه آنچه در بستر تعاملات اجتماعی و در فرایند سیورورت انسان‌ها در بستر جامعه و تاریخ به ظهور رسیده است، اختصاص یافته است.

به بیان جامعه‌شناختی، بخش قابل‌توجهی از اندیشه‌های استاد مستقیم و غیرمستقیم به بررسی کنش‌های معنادار اجتماعی (کنش‌های متقابل انسان‌ها) و مبادی، آثار و پیامدهای با واسطه و بی‌واسطه آن معطوف است. اگر به استناد یک تلقی الهیاتی، کنش‌های انسانی معطوف به عوامل ماورایی (مثل خدا، فرشتگان) را نیز در زمره کنش‌های اجتماعی به‌شمار آوریم، قاعدتاً اندیشه‌های اجتماعی استاد (به‌تبع اندیشه‌های اجتماعی اسلام) گستره، تنوع و تکرر بیشتری خواهد یافت. به بیان دیگر، در این فرض کمتر اندیشه‌ای را در منظومه فکری استاد و اندیشمندان قائل به این نظریه می‌توان یافت که صبغه اجتماعی نداشته باشد. در این صورت، حتی خطورات قلبی، نیات، گرایش‌ها، انفعالات و احساسات فردی نیز به‌عنوان گونه‌های مختلف رفتارباطنی معنادار به اعتبار تأثیر بالقوه‌ای که در قرب و بعد انسان به کانون کمال یعنی خداوند دارند، رفتارهای اجتماعی شمرده می‌شوند.

موضوع علوم اجتماعی (نه فقط جامعه‌شناسی) از دید اهالی علوم اجتماعی، کنش اجتماعی و عناصر مرتبط با آن (مثل منشأ، معنا، هدف، آثار و پیامدها) است. بحث اختصاصی از کنش و احوالات آن، موضوع مطالعه جامعه‌شناسی خرد است که اتفاقاً با اندیشه‌های استاد نیز تناسب بیشتری دارد؛ از طرفی، موضوع مورد وفاق علوم انسانی نیز کنش انسانی و عناصر مرتبط با آن است. گفتنی است که همه آنچه تحت عنوان فرهنگ، روابط، فرایندها، نهادها، ساختارها، تکنولوژی‌ها، سبک‌های زندگی و تمدن مطرح است از نتایج و ثمرات کنش‌های متقابل جمعی و شبکه‌های تعامل انسانی در گستره تاریخ است.

طبق این تلقی، علوم اجتماعی زیرمجموعه علوم انسانی است و رابطه آنها عام و خاص مطلق است (البته تلقی‌های دیگری نیز وجود دارد).

نکته دیگر، کنش اجتماعی، از دید علوم اجتماعی، رفتاری است: (۱) آگاهانه؛ (۲) ارادی؛ (۳) قصدمند؛ (۴) هنجارمند؛ (۵) موقعیت‌مندی به لحاظ زمانی و مکانی (به اعتبار همین ویژگی‌هاست که جامعه‌شناسان، کنش را رفتاری معنادار و فیلسوفان آن را محصول عقل عملی شمرده‌اند).

استاد مصباح یزدی، در مواضعی بر ویژگی ارزشی و هنجاری کنش انسانی، تأکید ویژه دارند. دلیل آن هم این است که کنش‌های انسانی آثار سرنوشت‌سازی را در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه رقم می‌زنند. به همین اعتبار، دین موضعی قاطع در هدایت کنش‌های انسانی و تعیین جهت ارزشی آنها اتخاذ کرده است.

این ویژگی ارزشی - هنجاری در فقه در قالب احکام تکلیفی معین به‌ویژه واجبات و محرمات و در اخلاق در قالب بایدها و نبایدها یا حسن و قبح و عناوین مشابه مثل فجور و تقوا تشریح شده است.

کنش‌های انسانی همچنین به اعتبار پیامدها و آثار و نتایج خواسته و ناخواسته در حوزه سنت‌های الهی مورد توجه قرار می‌گیرند: آیاتی مثل «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) یا «لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيعَ...» (حج: ۴۰) ناظر به سنت خداوند در برخورد با جوامع انسانی حسب عملکرد جمعی و روح غالب بر حیات اجتماعی آنهاست.

ج / ۱) ویژگی‌های اندیشه اجتماعی استاد مصباح یزدی

اندیشه اجتماعی / استاد مصباح یزدی، علاوه بر برخی ویژگی‌های مشترک با سایر اندیشه‌های اجتماعی طرح‌شده از سوی فیلسوفان و متألهان و به‌ویژه اندیشمندان مسلمان، از برخی ویژگی‌های اختصاصی نیز برخوردار است. اهم ویژگی‌های این اندیشه عبارتند از:

۱. صبغه غالب الهیاتی و نظری - فلسفی (بیشتر جامعه‌شناسی عقلی)؛ ۲. بهره‌گیری از رویکردهای چندگانه [توصیفی، تبیینی، تفسیری (دلیل‌گرایانه و معناکاوانه)، انتقادی (به‌ویژه در تقابل با اندیشه‌ها و جریان‌های فکری ناهمسو)، تجویزی و هنجاری، یوتوپینیستی (آرمانی)، توجیهی (و مدافعانه)]؛ ۳. پذیرش توأمان فرد و جامعه (یا عاملیت و ساختار و به بیان فردگرایانه، اقلیت در مقابل اکثریت) به صورت تعاملی، (البته استاد توجه قاطع‌تری به جنبه‌های عاملی و انسانی و التفات کمتری به جنبه‌های ساختاری و عوامل فرافردی دارد)؛ ۴. اعتقاد به هستومندی جامعه (اعتباری به‌مثابه نوعی معقول ثانی فلسفی که به‌رغم فقدان عینیت متحصل خارجی (داشتن مابازاء)، منشأ انتزاع عینی دارد. منشأ انتزاع آن روابط و مناسبات متراکم جاری در میان انسان‌ها در زندگی روزمره و گستره حیات اجتماعی است)؛ ۵. تقلیل جامعه به مناسبات، ارتباطات و کنش‌های متقابل انسانی و پیامدهای قهری ناشی از این تعاملات (از دید استاد، موضوع جامعه‌شناسی چیزی جز روابط و تعاملات انسانی و آثار و پیامدهای آن در گستره حیات اجتماعی - تاریخی نیست)؛ ۶. اعتقاد به قانونمندی پدیده‌های اجتماعی و تاریخی (حاکمیت قوانین تکوینی بر پدیده‌ها، رویدادها، تعاملات و کنش‌های اجتماعی)؛ ۷. اعتقاد به پوییش و سیورورت مستمر جهان زندگی (به‌تبع گرایش فطری انسان به کمال‌خواهی و تعالی‌جویی نامتناهی)؛ ۸. تلقی جامعه به‌مثابه نظامی باز و دارای تعاملات متنوع و مستمر با محیط (اعم از محیط طبیعی و محیط‌های فرهنگی - اجتماعی داخلی و خارجی)؛ ۹. اعتقاد به تحویل‌گرایی روان‌شناختی و ارجاع همه امور و پدیده‌های اجتماعی به انسان و ویژگی‌های فطری و غریزی او؛ ۱۰. بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی در مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی (تاریخی، مقایسه‌ای، تفسیری، اجتهادی، عقلی - نقلی، عقلی - شهودی و عقلی - انتزاعی)؛ ۱۱. دارا بودن موضع واقع‌گرایانه و هستی‌شناسانه توأم با موضع هنجاری - تجویزی (یا موضع توصیفی و توصیه‌ای) در مواجهه با واقعیت‌ها و رویدادهای اجتماعی (بدیهی است که علم اجتماعی دینی در مقام انتقاد از وضع موجود و توصیه وضعیت جایگزین و مطلوب، موضع ارزشی خود را براساس ارزش‌های دینی ابراز خواهد کرد. از دید استاد، ارزش‌های ذاتی به دلیل پشتوانه حقیقی، اموری مطلق بوده

و دخالت آنها در علم موجب نسبیّت آن نمی‌شود؛ ۱۲. توجه توأمان به وضعیت‌های تعادلی و تضادی جامعه (هرچند با ترجیح جنبه‌های تعادلی و کارکردی)؛ ۱۳. دارا بودن موضع متعهدانه، خیرخواهانه و التزام اخلاقی به آرمان‌ها و مصالح جمعی (در مقابل، ادعای واهی لزوم بی‌طرفی ارزشی)؛ ۱۴. تنوع موضوعی و محتوایی مباحث (طرح انبوه مباحث مرتبط با قلمروهای موضوعی و رشته‌گرایی‌های تخصصی متعدد علوم اجتماعی: جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، سیاست، حقوق، روان‌شناسی اجتماعی، تعلیم و تربیت، غالباً به صورت درهم آمیخته و تفکیک‌نشده)؛ ۱۵. کلان‌نگری (به اقتضای مواجهه نظری با مسائل به جای تمرکز بر مسائل و موضوعات معین دارای قیودات زمانی و مکانی) در عین اهتمام به مسائل جامعه ملی (کشور ایران)؛ ۱۶. اصالت دادن به فرهنگ دینی و سنتی (به جای فرهنگ مدرن و پسامدرن غالب در جهان معاصر)؛ ۱۷. اعتقاد به نقش کانونی دین / اسلام در شکل‌دهی و هویت‌بخشی به نظام شخصیت، فرهنگ، ارکان جامعه اسلامی و راهبری آنها؛ ۱۸. دارا بودن ماهیت غیرانباشتی (اندیشه‌هایی فاقد ارتباط ارگانیک با پیشینه‌های مسانخ خود، و به بیان دیگر، اندیشه‌هایی خلاق و فاقد پیوستگی به یک سنت فکری پرسابقه در نظام اندیشه‌ورزی متفکران مسلمان؛ اصالت این اندیشه عمدتاً به دلیل اتصال به معارف وحیانی و تبیین‌های استدلالی آن است)؛ ۱۹. مستندگویی و مدلل‌گویی (ارجاع مستقیم به منابع دست اول اسلام؛ یعنی آیات و روایات و استنباطات اجتهادی و برهانی).

گفتنی است که نظم و انسجام اندیشه‌های استاد به‌رغم تعدد آثار، تنوع مفاهیم و موضوعات با اقتضائات معرفت‌شناختی و روش‌شناختی متفاوت، حقیقتاً شگفت‌انگیز است.